

نوشته‌های خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق؛ تحلیل انتقادی - تطبیقی جامع از آثار اخلاقی وی

فرشته ابوالحسنی نیارکی*

چکیده

بررسی انتقادی نوشته‌های خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق هدف جستار حاضر است. پژوهش از اضلاع نظریه اخلاقی طوسی، مسبوق به آگاهی جامع از آثار وی میباشد، از اینرو، پیش از هر نوع پژوهشی از اخلاق‌نگاری او، تحلیل نقادانه از نوشته‌های خواجه و ترابط آنها با یکدیگر ضرورت دارد؛ شناسایی سهم اخلاق‌پژوهی در آثار خواجه و آثار مرتبط وی با اخلاق در این راستاست. گزارش تفصیلی از همه آثار خواجه طوسی در زمینه‌های مختلف، شایسته این جستار نیست؛ با این بیان تنها به کتب، رسائل و مقالات طوسی در اخلاق‌نگاری اعم از «تکننگاری مستقل در اخلاق» و «مباحث پراکنده اخلاقی در سایر آثار» بسنده میکنیم. همچنین بسبب اهمیت اخلاق‌نگاریهای مدون و مستقل خواجه، به بیان سال نگارش، انگیزه تألیف، جهت‌گیری اثر، روش،

۹

* استادیار گروه فلسفه مؤسسه عالی آل طه؛ fabolhassani@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۲ تاریخ تأیید: جلسه هیئت تحریریه ۹۳/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۲



ساختار، منابع طوسی در آن اثر خاص، وضعیت نشر اثر، جایگاه اثر در تاریخ اخلاق‌نگاری، ارجاعات، مکتب اخلاقی و فهرست اجمالی با رهیافت تحلیلی - تطبیقی از مسائل میپردازیم. بررسی نسبت و پیوستگی آثار اخلاقی خواجه طوسی بویژه سه اثر مهم *اخلاق محتشمی*، *اخلاق ناصری* و *اوصاف الاشراف* از دیگر مباحث این جستار است.

کلیدواژه‌ها: خواجه طوسی، اخلاق، اخلاق‌نگاری، تحلیل انتقادی

* * *

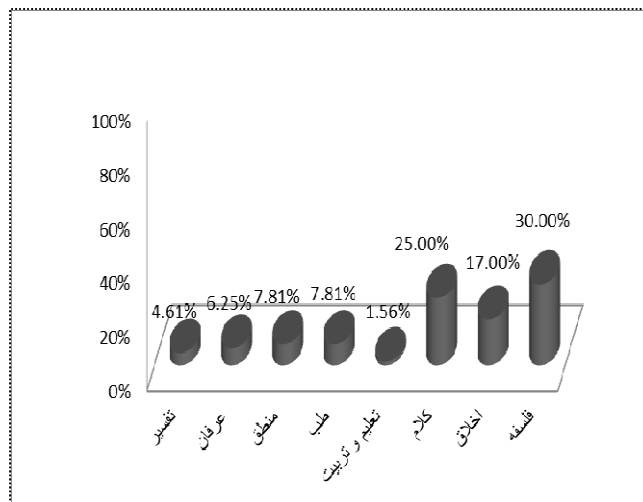
طبقه‌بندی نوشته‌های خواجه نصیرالدین طوسی در آینه آمار

خواجه نصیر نویسنده‌ی پُرکار بوده که در زمینه‌های گوناگون معرفتی، آثاری متنوع دارد. ابن‌شاکر برای طوسی سی و نه اثر^(۱)، خوانساری بیست و سه اثر^(۲)، قائینی نجفی در *معجم مؤلفی‌الشیعه*، یکصد و بیست و یک اثر^(۳)، نعمه بالغ بر شصت اثر^(۴)، محسن‌الأمین عاملی هشتاد و پنج تألیف^(۵) روان‌بخش^(۶) و مدرس رضوی متجاوز از یکصد اثر، الاعم، یکصد و شصت و دو عنوان^(۷) و فرحات، دویست و هفتاد و دو عنوان^(۸) ذکر کرده است. جدول شماره (یک) نمایان‌گر فهرستی از بعضی آثار خواجه طوسی مرتبط با دانش اخلاق نزد اوست.

جدول شماره (یک) فهرست آثار (اعم از کتب، رسالات، مقالات و مکاتبات) مرتبط خواجه نصیر با اخلاق پژوهی

ردیف	حوزه نگارش	برخی از آثار
۱	طب	۱) الحواشی علی کلیات قانون (۲) جواب پرسشهای قطب‌الدین شیرازی درباره قانون بوعلی (۳) رساله‌یی در جواب اشکالات کاتبی بر قانون (۴) جواب خواجه به یکی از حکما درباره تنفس (۵) رساله در ضرورت مرگ (با قواعد پزشکی) ۶. جواب علی سؤال واحد آخر من العلماء فیما یتعلق بمزاج الاعضاء
۲	منطق	اساس الاقتباس، تجرید المنطق، تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار، رساله مقولات (قاطیغوریاس)، مکاتبه با کاتبی
۳	کلام	تجرید العقائد، قواعد العقائد، فصول نصیری، تلخیص المحصل، رساله در جبر و اختیار و اثبات وحده الله جل جلاله، اعتقادی، رساله در امامت، اثبات واجب، مقنعه، رساله در اصول دین، رساله در اصول عقاید، رساله در عصمت، رساله در تولا و تبرا و اثبات فرقه الناجیه و التلخیص فی علم الکلام و
۴	فلسفه (طبیعیات، الهیات)	حل مشکلات اشارات، مصارع المصارع، بقاء النفس بعد بوار بدن، رساله اثبات جوهر مفارق، رساله فی ماهیه العلم و العالم و المعلوم، رساله در اشارت به مکان و زمان آخرت، کلام در نفوس ارضیه و قوای آنها، فائده در تعارف ارواح پس از مفارقت بدن، العلیل و المعلولات مترتبه، ربط حادث بالقدیم، التحفه فی معرفه النفس، رساله در موجودات و اقسام آن، مکاتبه با کاتبی در اثبات واجب، شرح رساله العلم، رساله اقسام الحکمه، اثبات عقل فعال و رساله در اتحاد مقول علیه و مقول، جواب سؤال در خیریت وجود، رساله در صدور خلق از حضرت حق و رساله در اثبات واجب، رساله فی أن الواحد لایصدر عنه الا الواحد، رساله فی بقاء النفس الانسانی، رساله فی العلم الاکتسابی و اللدنی و
۵	تعلیم و تربیت	آداب المتعلمین
۶	عرفان	آغاز و انجام، اوصاف الاشراف، مکاتبه با جیلی، قانونی و کیشی
۷	تفسیر، حدیث	شرح اصول کافی، تفسیر سوره العصر و الاخلاص.

نمودار شماره (۱) بیانگر درصد آثار خواجه طوسی در علوم مختلف است تا جایگاه اخلاق‌نگاری طوسی در بین دیگر نوشته‌های وی آشکار گردد. براین اساس، اخلاق‌پژوهی طوسی، پس از فلسفه و کلام، رتبه سوم را کسب میکند.



نمودار ش (۱): درصد تخصیصی آثار در حوزه‌های علوم

اخلاق‌نگاری طوسی

دیدگاه‌های اخلاقی طوسی در آثار گوناگونی اعم از کتب، رسائل و مقالات آمده است. این آثار را میتوان در چنین طبقه‌بندیی ذکر کرد: (۱) تک‌نگاری مستقل در اخلاق و (۲) مباحث پراکنده اخلاقی در سایر آثار.

۱. تک‌نگاری مستقل در اخلاق

آثار مستقل اخلاقی طوسی را میتوان در دو گروه زیر پردازش کرد: (۱) آثار با جهت‌گیری عمومی و (۲) آثار در اخلاق کاربردی یا اخلاق حرفه‌یی. اخلاق محتشمی، اخلاق ناصری، اوصاف الاشراف، ترجمه ادب الصغیر ابن المقفع، الرساله النصیریة و... آثار طوسی با جهت‌گیری عمومی است. آداب المتعلمین و رساله رسم و آیین پادشاهان قدیم نگارشهایی در اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌یی محسوب میگردند.

۱۲

۱- آثار مستقل اخلاقی با جهت‌گیری عمومی

● اخلاق محتشمی

الف) سال نگارش: خواجه نصیر/اخلاق محتشمی را به توصیه و بنام ناصرالدین محتشم قهستان (۶۵۵ ه. ق.) نگاشته است.^(۹) سال نگارش/اخلاق محتشمی معلوم نیست، اما با این بیان تألیف اثر را میتوان بین سالهای ۶۲۵ تا ۶۳۳ ه. ق. یعنی زمان سکونت خواجه در قلعه قهستان دانست. اخبار مأثوره محدود به امام اول تا امام جعفر صادق(ع)، سخنان دعاه اسماعیلی و بویژه اخوان الصفا و چهل باب بودن اثر، نشان از سیاق اسماعیلی آن دارد. بگواهی دانش‌پژوه این کتاب بسبب سادگی، احتمالاً پیش از *اخلاق ناصری* [یعنی پیش از سال ۶۳۳ ه. ق.] تدوین شده است.^(۱۰)

ب) منابع کتاب: منابع کتاب متنوع است؛ چنانکه طوسی میگوید:

در هر بابی از ابواب مکارم اخلاق، [بترتیب] از [۱] آیات قرآن، [۲] اخبار نبی^(۱۱)، [۳] اشارات و سجالات مولی، [۴] نصوص کلام و احادیث رسول (ع)، و [۵] نکات رجال، و دعوات موالینا لذكرهم السلام و نکت رجال و دعاه ایشان و [۶] سخن حکماء و [۷] بزرگان [بحث شده است].^(۱۲)

بسامد ارجاعات خواجه به آیات و روایات و کسان بصورت نمودار و درصد تخصصی به هر یک از ارجاعات، بسادگی قابل محاسبه نیست؛ زیرا وی بسیاری از سخنان را بدون نام ذکر کرده و مرز مشخصی میان آیات و روایات و بویژه انتساب دقیق آنها به ائمه بیان نشده است.

ج) روش و اسلوب نگارش: *اخلاق محتشمی*، نوعی اخلاق‌نگاری نقلی و درون‌دینی است که البته علاوه بر جمع و دسته‌بندی آیات قرآن و روایات اخلاقی، به بیانات اهل حکمت و بزرگان مزین است. بر این اساس، میتوان این کتاب را «اخلاق خدامحور» قلمداد کرد. آیات و روایات بمنزله هسته و آراء بزرگان و حکما چونان پوسته است.

کتاب در پند و اندرز و بیشتر آموزش و ترویج اخلاق با امثال و حکم و نوعی اخلاق عملی نظیر *جاودان خرد ابن مسکویه* است؛ نه نوعی نظریه‌پردازی در اخلاق. طوسی خود در انگیزه نگارش اثر مینویسد: «تا فائده مطالعه و تذکار و قرائت و تکرار آن، عموم رفیقان طالب راه، حاضر و غایب، شامل باشد».^(۱۳) نقش تکرار در

۱۳



یادآوری، با بیان و ارجاع به کسان مختلف، جهت‌گیری کتاب را آموزشی و مؤثر در خوی‌گرفتن قرار می‌دهد.

د) ساختار و جهت‌گیری مباحث: /خلاق‌محتشمی را مشتق پند و اندرز بی‌ارتباط نمیدانیم؛ بلکه این کتاب برنامه‌روزانه عملی سوگیرانه در تهذیب اخلاق در جهت نیل به سعادت بدست می‌دهد. غایت /خلاق‌محتشمی، نیل به سعادت است. کسب فضایل و ازاله‌رذائل در دو بعد نظر و عمل، نیل به حکمت در دو بعد نظری و عملی را شامل است و انسان مستکمل به ابعاد حکمت، فرد سعادت‌مند است:

هر که را توفیق رفیق باشد، تا هر روز تفقد حال خصلتی از این خصال در باطن خود به تقدیم رساند، در مدت چهل روز اکتساب خیرات بیشمار، و اقتناء کرامات بسیار کرده باشد. من اخلص لله اربعین صباحاً ظهرت ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه. مولانا عزوعلای ابواب رحمت گشاده دارد، و اسباب سعادت آماده، بحق حقه.^(۱۴)

اخلاق در این اثر فردگرایانه است و توجه به کمالات و رذائل در مقیاس اجتماع اساساً مطرح نیست. در این اثر از انواع رفتار ارتباطی درون‌شخصی^۱ (تواضع)، بین‌شخصی^۲ (امانت‌داری) و رفتار ارتباطی قدسی (تقوی) سخن بمیان آمده است و بحث از رفتار ارتباطی درون‌شخصی در این اثر پررنگ جلوه می‌کند. این کتاب علاوه بر ذکر فضایل و مکارم اخلاق (نظیر علم، امانت‌داری، صداقت، عفو، سخا، شجاعت، عفت و...) به اجتناب از رذائل و زدودن آن (نظیر حرص و طمع، حسد، عداوت، تکبر و...) نیز توجه داده است.

چهل باب اسماعیلی این اثر نزدیک چهل مرحله‌عارفان است و مقامات این کتاب با مراحل پایینی استکمال /اوصاف /الاشرف همخوانی دارد. چهل باب بودن کتاب تحت‌تأثیر اندیشه‌های اسماعیلی و اخوان‌الصفا است که عدد چهل در احادیث را به دعوت اسماعیلی امامی در هر عصر و روزگار تأویل می‌کنند.^(۱۵)

ه) جدول فضایل و رذائل: توجه به ابواب کتاب و مکارم اخلاقی مطرح در آن از دو جهت اهمیت دارد: از جهت ارتباط فضایل و رذائل این کتاب با یکدیگر و از جهت پیوستگی با دیگر آثار.

1. intra-personal
2. inter-personal



۱. بحث از فضایل و رذائل، از جهت ارتباط مباحث این کتاب با یکدیگر، با دو سؤال قابل طرح است: آیا خواجه نصیر ابتدا از رذائل بحث کرده یا فضایل؟ و یا شیوه بحث او التقاطی است؟ آیا ترتیب ابواب کتاب میتواند در فرایند عملیاتی تربیت، معنادار باشد؟

خواجه نصیر کتاب را با فضایل آغاز میکند. در این اثر اگرچه بحث از رذائل آمده است، اما اغلب مراد از ذکر رذائل، اجتناب از رذائل و مشیر به همان فضایل مقابل آن است. مراد طوسی در بحث از اجتناب از ظلم، تحلیل ظلم و درمان این بیماری نیست، بلکه وی به جنبه مثبت آن که «نبود ظلم» است - یعنی «عدالت» - توجه دارد. مثلاً در فصلی در امانتداری، از احتراز از خیانت نیز بحث میشود که هدف همان تحلیل امانتداری است. بحث از رذائل مقابل فضایل ذکر میشود و بصورت تبعی است. وی در این اثر حدود پنجاه فضیلت و کمتر از بیست رذیلت را نام برده است. عدم توجه صرف به معالجه رذائل، نشان از تفاوت این اثر با آثاری با جهت‌گیری سلامت نفس نظیر *الطب الروحانی* زکریا رازی دارد.^(۱۶)

ترتیب مکارم اخلاق در این اثر قابل چالش است. خواجه طوسی ابتدا به وجوبات و حداقل مرتبه سعادت که همان اصول اسلام و ایمان است میپردازد. این توجه یادآور رساله *اعتقادات یا اقل المعتمدات الواجبه* اوست. سپس سخن از علم و عقل است و عقل نظری پیش از امور مرتبط با عقل عملی آمده است. با این بیان شاید بتوان علم را مقدمه عمل دانست و عمل و اخلاق را هدف و ذی‌المقدمه. بنابراین، *اخلاق محتشمی* با چنین تفسیری از نظر و عمل، نماینده حکمت «بمثابه روشی برای زندگی» خواهد بود.^(۱۷) بحث از مکارم و رذائل اخلاقی در حوزه عمل، در ادامه مطرح میشود. ترتیب فضایل و رذائل مطرح شده در این اثر از آسان به سخت و از حداقل به حداکثر مراتب است. خواجه ابتدا به فضایل و رذائل حوزه درون‌شخصی و قدسی (شکر، رضا و تسلیم و اعراض از دنیا و حرص و طمع و...) میپردازد و سپس از اخلاقیات بین‌شخصی (امانتداری، عفو، مجالست با علما و...) مینویسد. این بیان نمایانگر اهمیت و تقدم اصلاح رفتار ارتباطی درون‌شخصی و ابتناء مکارم بین‌شخصی بر مکارم درون‌شخصی است.

۲. جدول فضایل و رذائل این اثر، از جهت پیوستگی با دیگر آثار نیز مسائلی را بمیان می‌آورد: الف) اتفاق یا اختلاف در جدول فضایل و رذائل؛ مثلاً اینکه آیا خواجه از آن باب، در آثار دیگر هم بحث کرده یا خیر و چرا؟ ب) کشف ارتباط و پیوستگی

مکارم اخلاق مطرح در آثار او با یکدیگر و با جهت‌گیری نظریه اخلاقی وی با نگاهی سیستمی؛ یعنی آنکه مثلاً در نظریه خواجه، کدامین فضایل برای نیل به کدامین درجه از کمال و سعادت بمیان می‌آید؟ و هریک از فضایل و رذائل چه جایگاهی در نیل به کمال و سعادت دارند؟ (ج) تحلیل مفاهیم مکارم اخلاق و ملاک تمایز مصداقی آن با نگاهی سیستمی؛ یعنی مثلاً آیا مفهوم صداقت در همه آثار به یک معناست یا خیر؟

● اخلاق ناصری

الف) سال و انگیزه نگارش: خواجه نصیر به خواهش ناصرالدین محتشم برای ارائه ترجمه فارسی الطَّهَّارَه ابوعلی مسکویه رازی، (ف. ۴۲۱ ه.ق) با مأخذ قرار دادن کتاب مسکویه، با ترجمه آزاد، افزودن مطالب و نگارش در قالبی نو و نیز با افزودن دو فصل در «تدبیر منزل» و «سیاست مدن»، اخلاق ناصری را نگاشت.^(۱۸) به گواهی خود او، وی بعد از فروپاشی اسماعیلیه، دیباچه و خاتمه کتاب را تغییر داد و نشانه‌های اسماعیلیگری را از کتاب ویراست.^(۱۹) تاریخ تألیف اخلاق ناصری ۶۳۳ ه.ق است. زیرا همانسان که طوسی مینویسد: وی سی سال بعد از تألیف کتاب، فصل عقوق پدر و مادر را در سال ۶۶۳ ه.ق به توصیه عبدالعزیز نیشابوری (۶۲۶ - ۶۷۲ ه.ق) بدان افزوده است:^(۲۰) «در شهور سنه ثلث و ستین و ستم‌آته که بعد از تحریر این کتاب بمدت سی سال، این فصل را بدان افزود.»^(۲۱) به گواهی مینوی، در آخر نسخه‌یی از اخلاق ناصری، تاریخ فراغت تحریر کتاب، سال ۶۳۳ ه.ق ذکر شده است.^(۲۲)

ب) روش کتاب: کتاب در حوزه اخلاق‌نگاری نظری و نظریه‌پردازی در مباحث مهم اخلاق نظیر چیستی اخلاق، کمال و سعادت، اجناس فضایل و رذائل و... است؛ اگرچه به مباحث عملی اخلاق نظیر پی‌جویی سلامت نفس و درمان بیماریهای آن نیز میپردازد.^(۲۳) ذکر مباحث عملی علاوه بر نظریه‌پردازی، به مصادیق جزئی و راهکارهای عملی نیز معطوف است. در درمان بیماریهای نفس، قانون کلی خواجه نصیر، شناخت حقیقت رذائل، شناخت علل و اسباب آن و معالجه از طریق ضد، بازگشت به اعتدال و قمع اسباب و احتراز از آن است.^(۲۴) وی در باب تک‌تک رذائل، راهکارهای عملی مستقلی ارائه میدهد.

سبک اثر اغلب عقلی - فلسفی است؛ اگرچه گاه در اوج مسائل عقلی، به مراحل و مراتب عرفانی و سلوک نیز اشاره میکند.^(۲۵) استفاده [البته بندرت] از آیات و روایات در تأیید کلام نیز از خصوصیات این کتاب است.



ج) ساختار و جهت‌گیری کتاب: اخلاق ناصری یک دوره کامل از اخلاق‌نویسی نظری است که از مبانی علم اخلاق، بویژه مبانی علم‌النفسی، تا دیگر مسائل اخلاقی در دو بعد فردی و جمعی (خانواده و اجتماع) را شامل می‌شود. بر این اساس، حکمت عملی در سه بخش آن تهذیب الاخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن در سه مقاله کتاب می‌آید.

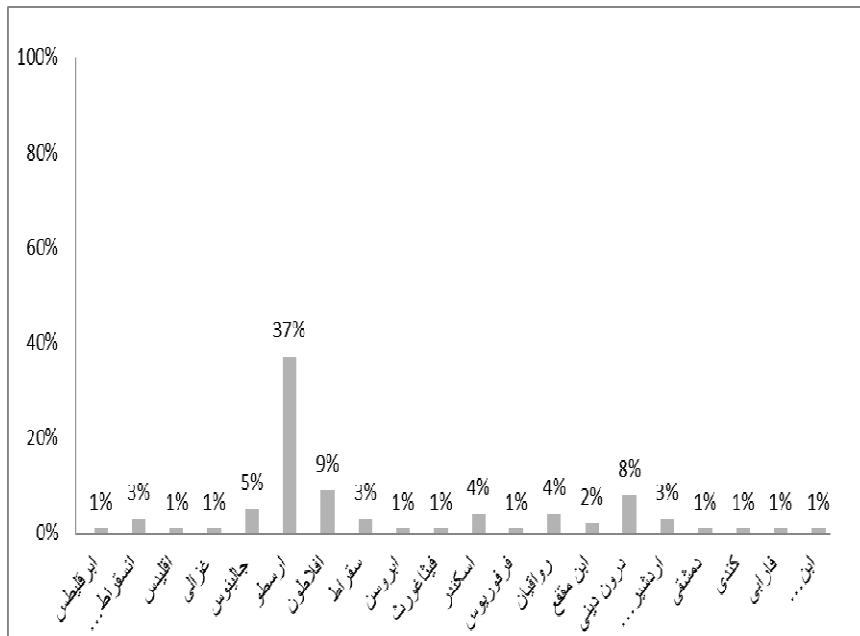
غایت و محور مباحث اخلاق ناصری، رسیدن به سعادت است. خیر و سعادت، در نگاه طوسی، نتیجه و غایت و غرض تکمیل نفس انسانی است.^(۲۶) بر این اساس، کسب فضایل و اجتناب از رذائل که سبب تکمیل قوای ناقصه نفس در دو بعد آن می‌گردد، مقدمه بحث از کمال انسان و بحث از سعادت، بعنوان نتیجه کمال انسانی^(۲۷) بمیان می‌آید.

کسب فضایل علمی و عملی [مقدمه] ← تکمیل نفس ← سعادت [نتیجه]^(۲۸)

نیل به کمال در هر دو بعد آن یعنی کمال قوه علمی و کمال قوه عملی است. خواجه نصیر در بحث از فضایل علمی و عملی، با رویکردی ارسطویی و قانون زرین اعتدال (حدوسط)، به بیان اجناس فضایل (حکمت، شجاعت، عفت و عدالت)، انواع تحت اجناس فضایل، اعداد اجناس فضایل و ترتیب کسب فضایل و سعادت می‌پردازد. بحث از محافظت از فضایل و ازاله رذائل که همان حفظ سلامت و یا بتعبیر وی صحت نفس و درمان بیماریها و بتعبیر طوسی معالجت امراض نفس است، در ادامه بحث از فضایل و رذائل مطرح می‌گردد. طرح بحث از سلامت نفس و درمان بیماریهای آن، بمعنای طب‌انگاری اخلاق - آنچنانکه رازی به آن معتقد بود - نیست، بلکه سلامت نفس، مرتبه‌یی از مراتب کمال یا مقدمه نیل به کمال است. سلامت نفس، شرط لازم و نه کافی درجات بالادستی کمالات نفس است و هرگز آرمان نظریه اخلاقی طوسی به آن خلاصه نمی‌شود.

د) منابع کتاب: طوسی در این اثر از برخی کسان نام برده است. نمودار شماره (۳) نمودی از بسامد ارجاعات طوسی به این افراد است. وی از ابوعلی مسکویه (مقاله اول)، بوعلی (مقاله دوم) و فارابی (مقاله سوم) بیش از دیگران بهره برده است. این نمودار بیان وامداریهای طوسی نیست، بلکه تنها به درصد ارجاعات آشکار او می‌پردازد.

۱۷



نمودار ش (۳) بسامد ارجاعات طوسی به کسان

آیا ارجاع خواجه به آراء فیلسوفان یونان، رواقیان و نوافلاطونیان نشان از در اختیار داشتن کتب ایشان است و یا اقوال آنها را از لابلائی کتب دیگر فلاسفه یافته است؟ البته برخی کتب نظیر *السیاسة* یا همان *جمهوری افلاطون* توسط حنین بن اسحاق^(۲۹)، *اخلاق نیکوماخوس* توسط اسحاق بن حنین^(۳۰) و *رساله فضایل النفس*^(۳۱) ارسطو توسط ابوعثمان دمشقی به عربی ترجمه شده است. با اعتقاد تامسون در ترجمه *اخلاق جلالی دوانی*^(۳۲)، طوسی در *اخلاق ناصری*، متأثر از کتاب *سیاست ارسطو* و سیسرون است.^(۳۳) در حالی که رزنتال با خرده‌گیری از وی، حقیقت ناشناخته بودن کتاب *سیاست ارسطو*^(۳۴) و فیلسوفی چون سیسرون را نزد فیلسوفان مسلمان باز می‌گوید. بزعم رزنتال، شوربختانه منابع مشترک مسلمانان و رواقیان در حال حاضر موجود نیست.^(۳۵)

بخش اول کتاب همانسان که طوسی مینویسد، مرهون *الطهارة* [همان *تهذیب الاخلاق*] ابوعلی مسکویه است.^(۳۶) بخش دوم کتاب نیز به گواهی با تکیه بر آراء ابن‌سینا

۱۸

[شاید در رساله فی السیاسة] و بروسن^(۳۷) [شاید رساله فی تدبیر المنزل] است.^(۳۸) بخش سوم در سیاست مدن نیز همانسان که خواجه مینویسد^(۳۹) مرهون فارابی [شاید کتاب آراء اهل المدینه الفاضله و السیاسة المدنیة و فصول المدنیة] است. در انتهای کتاب، وصایای افلاطون آمده است که عیناً در جاویدان خرد ابوعلی مسکویه موجود است.

خوانساری در روضات الجنات، این کتاب را خلاصه کتاب الطهارة مسکویه میدانند^(۴۰) اما در واقع کتاب مسکویه یکی از منابع خواجه نصیر در نگارش اخلاق ناصری است و حتی بخش نخست اخلاق ناصری [تهذیب اخلاق] نیز با پس و پیش کردن بعمد مطالب، افزودن دیگر مباحث و در قالبی نو و متفاوت از تهذیب الاخلاق مسکویه است.^(۴۱)

از دیگر منابع طوسی میتوان به کتابهای ادبی و اجتماعی نظیر پند و اندرزهای ترجمه شده توسط ابن مقفع، کلیله و دمنه^(۴۲) و یا سخنان عامری نیشابوری مثلاً در باب سیاهان و ترکان اشاره نمود.^(۴۳)

ه) وضعیت نشر و خویشاوندی با دیگر آثار: نسخه‌های اخلاق ناصری فراوان است و به بیش از صد و پنجاه نسخه میرسد.^(۴۴) این کتاب بارها به چاپ رسیده است.^(۴۵) پرفسور ویکنز^(۴۶) نیز ترجمه انگلیسی اثر را ارائه نموده است که هنوز در مجلات غرب بازخوانی ترجمه وی را شاهدیم.

اخلاق ناصری و اسلوب و مطالب آن مورد اقتباس برخی اخلاق‌نگاران قرار گرفته است؛ از جمله: جلال‌الدین محمد دوانی (۸۲۸ - ۹۰۸ ه. ق.) در اخلاق جلالی یا (لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق)، اخلاق محسنی از ملاحسین واعظ کاشفی (۹۱۰ ه. ق.)، اخلاق منصوروی از دشتکی (۹۴۸ ه. ق.)، اخلاق جمالی از جمال‌الدین محمد آقرائی و اخلاق علایی^(۴۷) از هبه‌الله‌شاه‌میر (اواخر قرن نهم)، سراج الاخلاق از میرمحمد علی خان آزاد (۱۳۳۰ ه. ق.) و ...

• ترجمه رساله الادب الوجیز للولد الصغیر ابن مقفع

الف) سال نگارش: خواجه نصیر به گواهی خود، به سفارش ناصرالدین محتشم قهستان، در ترجمه فارسی یک جلد کتاب مشتمل بر چندین رساله از عبدالله بن المقفع درباره آداب، مواعظ، نصایح و اخلاق، رساله نخست را با عنوان الادب الوجیز للولد

1. Bryson



الصغیر، به فارسی ترجمه و تقدیم کرده است.^(۴۸) براین اساس، ترجمه رساله، بین سالهای ۶۲۵ تا ۶۳۲ ه. ق یعنی زمان سکونت طوسی در قهستان بوده است.

ب) موضوع و مباحث رساله: رساله مشتمل بر آداب، پندها، نصایح و دستورهایی درباره آیین زندگی و یکسری اخلاقیات پراکنده مثبت و منفی (فضایل و رذائل)، از پدری در تأدیب و تعلیم فرزند است. ایرانی بودن ابن المقفع، این رساله را در شمار یکی از منابع مهم ایرانی - اسلامی در تعلیم و تربیت اخلاقی قرار میدهد. در متن رساله به اهمیت تعلیم و تربیت اخلاقی کودکان از آغاز و رشد اخلاقی ایشان اشاره شده است.^(۴۹)

جهت گیری رساله، بمعنای محور مباحث، ناهمگون است، با این حال سخن از حقوق دیگری، مثلاً حق خداوند^(۵۰)، حق پدر بر فرزند و بالعکس و... آمده است. بنابراین، میتوان رساله را در شمار آثار حقوق محور و بر اساس مسئولیتها دانست. آداب و اخلاقیات مطرح در رساله، علاوه بر رفتارهای ارتباطی درون شخصی، به رفتارهای ارتباطی بین شخصی و برون شخصی (مثلاً اخلاق بندگی: ص ۵۰۲، شکر و تقوا و...) نیز میپردازد. شناخت فضایل از رذائل، توسط فطرت شناختاری ممکن است و خیرهای اخلاقی، در سرشت آدمی و از جمله فطریات گرایشی مقدس است.^(۵۱) در این رساله درباره کیفیت اکتساب اخلاقیات، سخن از ملکات راسخ نفس است.^(۵۲) توجه به خاستگاههای روانشناختی و پیامدهای دنیوی و گاه اخروی رفتارها، از خصوصیات این رساله است. توجه به سعادات و لذات^(۵۳) اخروی و معنوی و عدم توقف بر سعادات دنیوی از دیگر خصوصیات رساله است.^(۵۴)

آداب پراکنده مطرح در رساله را میتوان تحت چند عنوان طبقه بندی کرد: آداب گفتگو و معاشرت با دیگران (اعم از دوستان، خویشان، زیردستان و بالادستان)؛ آداب دوستی؛ آداب نشست و برخاست و تناول طعام؛ آداب دینداری؛ آداب علما؛ اخلاق دشمنی و...

۲۰ • اوصاف الاشراف

الف) سال نگارش: باعتقاد الاعمس، طوسی اوصاف الاشراف را در قلاع اسماعیلیان نوشته است^(۵۵) ولی از آنجا که خواجه این کتاب را بنام شمس الدین جوینی (ف ۶۸۳ ه. ق) وزیر (۶۶۱ تا ۶۸۳ ه. ق) اباقاخان (از ۶۶۳ ه. ق) پسر هولاکوخان نگاشته است^(۵۶) بنظر این کتاب را باید متعلق به دوره سوم و بویژه آخرین ده عمر طوسی دانست. باعتقاد مادلونگ نیز طوسی «اوصاف الاشراف را سه دهه بعد از نگارش اخلاق



ناصری در آخرین ده زندگیش نگاشته است.^(۵۷) *اوصاف الاشراف* نسخه‌های بسیار دارد و توسط رکن‌الدین محمد جرجانی در نیمه اول قرن هشتم، به عربی ترجمه شده است.^(۵۸) این کتاب تاکنون بارها به چاپ رسیده است.^(۵۹)

ب) انگیزه تألیف و روش: خواجه نصیر انگیزه تألیف کتاب را در ابتدای آن ذکر کرده است:

بعد از تحریر کتابی که موسوم است به *اخلاق ناصری*... اندیشه‌مند بود که مختصری در بیان سیر اولیا و روش اهل بینش بر قاعده سالکان طریقت، و طالبان حقیقت، مبنی بر قوانین عقلی و سمعی و مبنی از دقایق نظری و عملی ... مرتب کرده‌اند، ... و در هر باب آیتی از تنزیل مجید ... که به استشهاد وارد بود ایراد کرد و اگر در اشاره به مقصود مصرح نیافت بر آنچه به آن نزدیک بود اقتصار کرد، و آن را *اوصاف الاشراف* نام نهاد.^(۶۰)

با این بیان چند نکته آشکار می‌گردد: ۱) *اخلاق ناصری* بر طریقه حکما و نوعی اخلاق عقلی - فلسفی است درحالی‌که *اوصاف الاشراف* اخلاق‌نگاری عرفانی و بر قاعده سالکان طریقت. ۲) این رساله اگرچه بر قاعده اهل عرفان نگاشته شده است، اما تلاشی برای دستیابی به نوعی حکمت متعالی ممزوج از عقل و شهود و نقل در لوای پرچمی واحد است. ۳) این کتاب مشتمل بر دقایق عملی و نظری است؛ اگرچه بعد عملی آن بر نظریه‌پردازی می‌چربد. درواقع *اوصاف الاشراف* عرفان عملی و نوعی اخلاق‌نگاری معطوف به عمل است.

ج) جهت‌گیری اثر: *اوصاف الاشراف* همانسان که طوسی مینویسد: نمایانگر اخلاق‌نگاری کمال‌محور است و سیری برای انسان‌سازی است و در این سیر تنها از اخلاق فردگرایانه سخن بمیان می‌آید:

هر کسی چون در خود و افعال خود نگیرد، خویشان را به غیر خویش محتاج داند و محتاج به غیر ناقص باشد به خود، و چون از نقص خود خبردار شود، در باطن او شوقی که باعث او باشد بر طلب کمال پدید آید، پس به حرکتی محتاج شود در طلب کمال و اهل طریقت این حرکت را سلوک خوانند.^(۶۱)

دامنه رفتار ارتباطی در این اثر اغلب به رفتار ارتباطی درون‌شخصی محدود میشود، اگرچه به رفتارهای برون‌شخصی و رابطه فرد با خدا نیز مشیر است. در این

اثر، رذائل اخلاقی مطرح نشده است و تنها از آراستن نفس، پتانسیلهای مثبت و سلوک بر محور فضایل تا نهایت بی‌نهایت بحث شده است.

این کتاب اگرچه نوعی عرفان عملی و بیان مقامات العارفین است، اما چینش و توصیف مراحل سلوک نزد طوسی با دیگر اندیشوران تصوف متفاوت است؛ تا آنجا که میتوان وی را مبدع سبک دانست. *منازل السائرین* خواجه عبدالله انصاری که یکی از اولین و محوری‌ترین آثار عرفانی است^(۶۲)، با تقسیم مراتب نفس به ده لایه، مقاماتی دهگانه برای هریک از مراتب برشمرده است و یکصد منزل پیش‌روی عارف سالک گذارده است.^(۶۳) مراتب دهگانه نفس، ساحات و ظرفیتهای طولی است و نه عرضی. این در حالی است که در اخلاق‌نگاری فلسفی، نفس آدمی به ساحات عرضی سه‌گانه ناطقه، بهیمی و غضبیه تقسیم میشود. اگرچه خواجه نصیر در این کتاب، به قوای طولی آدمی اشاره کرده است، با این حال تحلیل ریاضت، مشیر به همان مراتب سه‌گانه عرضی نفس و از منظر فیلسوفی با مبانی علم‌النفسی این گستره است.^(۶۴) مراتب طولی نفس نزد وی با *منازل السائرین* متفاوت است.^(۶۵) *اوصاف‌الاشراف* از مراحل آغازین سلوک و بدایت حرکت و ایمان آغاز میشود و تا توحید، اتحاد، وحدت و حتی بالاتر از آن، فنا ادامه مییابد. سیاق نگارش طوسی در هر یک از فصول رساله اغلب یکسان است.

د) تفاوت اخلاق ناصری و اوصاف‌الاشراف: نسبت دو کتاب اخلاق ناصری و اوصاف‌الاشراف به یکدیگر چگونه است؟ آیا این دو کتاب از جهت روش نگارش، ارجاعات، مخاطب کلام، متعلق احکام اخلاقی، غایات، مبانی و ... همسانند یا خیر؟ این دو کتاب از جهات متعددی با یکدیگر متفاوتند:

۱) ارجاعات: طوسی در *اوصاف‌الاشراف* در مقام جمع آراء صحیح یا ناصحیح حکما و اخلاق‌نگاران نیست، وی برخلاف *اخلاق ناصری* به یونانیان و رواقیان و دیگر فلاسفه اسلامی ارجاعی نمیدهد و اینک سخن از حلاج است! ۲) متعلق احکام اخلاقی: خواجه بعد از سالها تلاش برای نگارش اخلاق جمع‌گرایانه و توجه به تدبیر منزل و سیاست مدن و حتی فراتر از آن، خدمات اجتماعی و سیاسی ظهور این آراء و آرمانها در عیان، حال در اواخر عمر از سلوک مینویسد و گویی اینک وقت بازگشت و سیر در خودی است. ۳) غایات: توجه *اخلاق ناصری* اغلب به فضایل و رذائل و حفظ صحت نفس و علاج بیماریهای اخلاقی است و سخن از سه‌گونه قوای عرضی شهوی و غضبی و ناطقه نفس است؛ درحالی‌که *اوصاف‌الاشراف* فراتر از آن به ساحات و سپهرهای وجودی طولی آدمی میپردازد. ۴) روش و مبانی: *اخلاق ناصری*

۲۲



خردگرا [مبنای معرفت‌شناختی: عقل‌محور] و براساس مبانی علم‌النفسی فلاسفه است، درحالی‌که اوصاف/الاشراف اثری ذوقی - عرفانی است و بر مبانی علم‌النفسی اخلاق‌نگاری فلسفی استوار نیست.

● الرساله النصیریه

الرساله النصیریه^(۶۶)، رساله کوتاه و مهم طوسی در اخلاق نظری است که زمان تحریر آن معلوم نیست. مباحث مورد بحث در این رساله در اخلاق ناصری و تجرید الاعتقاد و فصول خواجه نیز آمده است، با این بیان، در انتساب این رساله به وی جای شک باقی نمی‌ماند. نگارش عربی اثر، شاید بتواند نافی تألیف آن در زمان اسماعیلیان باشد. این رساله درباره چند امر کلی بحث میکند: (۱) مشی زندگی حکما، زیست حکیمانه و ویژگیهای آن، (۲) چیستی سعادت، (۳) نقش شریعت در نیل به زندگی حکیمانه و اخلاق و معیار سنجش فعل اخلاقی، (۴) کیفیت ثواب و عقاب ناشی از اعمال و اخلاقیات.

جهت‌گیری اخلاقی طوسی در این رساله، سعادت‌محور است که با محاسبه میزان انطباق افعال با خرد و فراتر از آن شریعت، نیل به سعادت را که غایت مطلوب اخلاق است، بر مبنایی فردگرایانه ترسیم میکند.

الف) مباحث رساله

۱. سیرت حکما و ویژگیهای انسان کامل: حکمت نزد خواجه نصیر تنها یادگیری مشتی علوم و احکام عمل و مباحث انتزاعی نیست، بلکه نوعی ائتصاف به علم و عمل و نوعی زیست عالمانه و آراستن به اخلاق است. توجه به سیرت حکما، بیانگر تلقی طوسی از حکمت و فلسفه بعنوان شیوه یا مشی خاص زیستن است.^(۶۷) هادو در فلسفه باستان معتقد است: حیثیت عملی فلسفه بعنوان روش زندگی، با گفتمان نظری و انتزاعی آن، رابطه تنگاتنگ دارد و حیثیت نظری فلسفه بر حیثیت عملی آن بنا نهاده میشود. انتخاب روش زندگی همچون نوعی پیوست یا لوازم جانبی در انتهای فرایند فلسفی نهاده نشده است، بلکه بعکس، در سرآغاز است. مکتب فلسفی پیش از هر چیز منطبق است با انتخاب نحوه معینی از زندگی و انتخابی وجودی که تغییر کامل سبک زندگی، تبدل کل هستی خویش و درنهایت میلی به بودن و طلب زندگی به طریقی معین دارد.^(۶۸)

۲۳



سال پنجم، شماره سوم
زمستان ۱۳۹۳
صفحات ۳۶-۹

فرشته ابوالحسنی نیرکی؛ نوشته‌های خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق؛ تحلیل انتقادی - تطبیقی جامع از آثار اخلاقی وی

۲. حد بهرمندی از لذایذ بدنی و خیرهای خارجی در تأمین حکمت و سعادت: خواجه نصیر لذت جسمانی را تنها در حد حفظ اعتدال و سلامت مزاج ضروری میدانند. این بیان، یادآور تعریف لذت به رهایی از آلام و بازگشت به حالت طبیعی است. خیرهای بدنی و خارجی، تنها در صورت استفاده به اعتدال، یکی از شرایط و عوامل پایین دستی سعادتند.

۳. غایت حکمت و سعادت، تجرد و نیل به مرتبه عقل است: کسب علوم تا رسیدن به مرحله تجرد از ماده و نیل به عالم نورانی ابدی، غایت نفس انسانی است که یادآور دیدگاه فلاسفه مسلمان در تحلیل سعادت قصوی است.

۴. اتصاف به فضایل و فضیلت مطلقه از اوصاف حکیم است:

الفائز بالحكمة الحقيقية و المرتاض بالعبادة الخالصة هو الموصوف بالفضيلة المطلقة عليه لن يكون إلا بمنزلة الظلّ و الخيال.^(۶۹)

۵. تشبه به باری تعالی: حکمت نشانه‌ی از کبریای الهی خوانده شده و خصوصیات انسان کامل، متناظر با صفات الهی است. انسان کامل، حکیم و متشبه به اخلاق الهی است.

۶. نفس روحانی و جسمانی: نفس ناطقه (ملکی)، بهیمی و سبعی و اختلاف ایشان، چه بعنوان سه قوه از یک نفس و یا سه نفس مختلف در وجود آدمی، همواره مورد توجه حکماست. طوسی از جواهر جداگانه آدمی سخن میگوید.

۷. عقل ابزار سنجش: فضایل و رذائل، با ترازوی خرد و عقل سنجش میشود که یادآور نوعی عقل‌گرایی افلاطونی است؛ «مؤثر در علم و حکمت و جود و عدالت و توکل و ... عقل اصیل و رأی سدید و فراست قدیم و اطلاع از معانی غیبی است.»^(۷۰)

۸. خدامحوری؛ شریعت مؤید عقل در سنجش نیک و بد: این رساله برخلاف/اخلاق ناصری که نوعی اخلاق‌نگاری عقلی - فلسفی است و عقل‌محوری در آن، چه در مبانی معرفت‌شناختی (روش استدلال) و چه در ابزار سنجش میان خوب و بد مشهود است متوجه فراتر از عقل و شریعت و قانون الهی است. توجه به شریعت، بمعنای نفی خردگرایی نیست، بلکه طوسی با تأکید بر عقل، این دو را هم‌سرنوشت میخواند. این رساله با گذر از عقل به نقل، یادآور تلاش غزالی در احیاءالعلوم در نیل به نوعی اخلاق بر پایه دین است: «دین الهی بر سلامت نفس از آفات بدنی کمک میکند تا آنجا که گفته شده است: اگر بین بدن و نفس مخالفتی نبود، دین بر انسان نازل نمیشد. دین الهی انسان را به ترک لذات قبیح بدنی و انجام آنچه جمیل

۲۴



است امر میکند. خوادع شهوی نفس ناطقه را از انجام کارهای نیک باز میدارد و به انجام کارهای بد مایل میگرداند. دین الهی برای بشر بعنوان چیزی که او را از قید و بند رها میکند آمده است».

۹. **سعادت و حکمت:** طوسی حکیم عقیف را سعید میدانند. در مقابل بدبخت، جاهل و اهل شره است. تفسیر خواجه از سعادت بعنوان زیست حکیمانه قابل توجه است؛ حکیم کسی است که از فضایل علمی و اخلاقی برخوردار است.

۱۰. **خیرهای بدنی و خارجی به ملاحظه حکمت خیرند:** خواجه نصیر بسان سقراط، خیرهای خارجی و بدنی را تنها با بودن حکمت، خیر میدانند. بعبارت دیگر، استعمال صحیح از خیرها توسط حکمت، خیر را خیر میگرداند و خیرهای خارجی و بدنی، بدون حکمت، شرنند. وی در *اخلاق ناصری* نیز مینویسد: سعادت انسان در مقایسه با او، خیر اوست.^(۷۱)

۱۱. **آثار حکمت:** در این رساله به آثار و پیامدهای دنیایی و اخروی دو نوع زندگی: (۱) زیست حکیمانه با عفت و (۲) زیست بر مبنای شهوات و جسمانیت، اشاره شده است.

۱۲. **سعادت و شقاوت اخروی:** بیان دیدگاه وعیدیه از معتزله و ابوعلی و ابوهاشم جبائی در باب خلود صاحب کبیره در صورت عدم توبه و توجیه‌های متفاوت ایشان و سپس بیان قول صحیح از دیگر مباحث است. این بحث بعینه در کتاب *فصول طوسی* نیز آمده است.^(۷۲) وی به مراتب اشقیا نیز اشاره داشته و این بحث در اواخر *نمط هشتم شرح اشارات* نیز آمده است و طوسی به مراتب سعادت و بل اشقیا میپردازد.^(۷۳)

۱۳. **جاودانگی نفس:** باعتقاد خواجه، قائلان به ثواب و عقاب نفسانی، به چیزی اعتقاد دارند که واجب است بدان معتقد باشند و آن جاودانگی نفس است:

و أما القائلون بالثواب و العقاب النفسانیین فقالوا: النفوس باقیة أبدا.^(۷۴)

۲۵

۱۴. **انواع لذت:** طوسی بین دو گونه لذت بدنی و باقی، تمایز مینهد و دومی را والاتر می‌شمارد. وی لذت را ادراک می‌شمارد و معتقد است اهل نجات و سعادت متحلی به ادراک لذات باقیند و اهل شقاوت از لذات باقی دور بوده و تنها از لذات بدنی بهره جسته‌اند. طوسی در دیگر آثار خود نیز نظیر *شرح اشارات*^(۷۵) و *اخلاق ناصری*^(۷۶)، دو گونه لذت عقلی، الهی، اخروی و فعلی را از لذات بدنی، بهیمی و

فرشته ابوالحسنی نیرکی؛ نوشته‌های خواجه‌نصیرالدین طوسی در اخلاق؛ تحلیل انتقادی - تطبیقی جامع از آثار اخلاقی وی



انفعالی دنیوی متمایز ساخته است.

۱۵. ذومراتب بودن سعادت و شقاوت

۱۶. استحقاق، ملاک ثواب و عقاب است: بزعم طوسی علت عقاب اهل رذائل، بسبب استحقاق وجودی ایشان است. وی دست آخر، افراد بله و کودکان را بسبب عدم استحقاق وجودی برای نیل به فضایل و سپس سعادت، از عذاب دور میداند. با این بیان، سعادت یا شقاوت، متضادند و رابطه ایشان مانعةالجمع است و در باب افراد بله و کودکان از هر دو سعادت و شقاوت خالی است.

● تعلیقه بر رساله ابن میمون در رد جالینوس

جالینوس (۱۳۱-۲۱۰م.) پزشک سرآمد، علاوه بر پزشکی، در علوم دیگر چون فلسفه و اخلاق نیز نظریه پرداز بوده است. ابن میمون (۶۰۱ ه.ق.) درباره ورود جالینوس به هر علمی اعتراض نموده و معتقد است ورود ناشیانه و بیهوده او به گستره علوم دیگر جز پزشکی، نوعی بیماری نفس بوده است. طوسی نیز در تعلیقه‌یی بر قول ابن میمون، این بیماری را «عجب» میخواند.^(۷۷)

تعلیقه طوسی بسیار کوتاه بوده و به صفحه نمیرسد. این تعلیقه از چند حیث اهمیت دارد: (۱) این تعلیقه، نماینده تصور خواجه از «عجب» بعنوان یکی از بیماریهای نفس است، با این بیان تحلیل وی از بیماری عجب آشکار است. (۲) این تعلیقه نشان از توجه خواجه به بحثهای طبیبانه درباره سلامت نفس و بیماریهای آن و نوعی طب‌انگاری اخلاق دارد. (۳) سخن ابن میمون در تنها نسخه آن که در جنگ شماره ۱۰۷۹/۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ص ۶-۸) موجود است، بسیار پرغلط و بی‌نقطه است.^(۷۸) با این بیان، تعلیقه طوسی بر آن، روشنگر سخن ابن میمون قلمداد میگردد.

براساس این تعلیقه، نفس نیز مانند جسم، دارای صحت و مرض است.^(۷۹) این

بیان که طب‌انگاری اخلاق است، در اخلاق ناصری نیز آمده است:

از این جهت بعضی حکما این صنعت را طب روحانی خوانند، و همچنانکه طب دو جزو بود؛ یکی آنچه مقتضی حفظ صحت بود و دیگر آنچه مقتضی ازاله علت بود، همچنان این علم دو فن باشد؛ یکی آنچه مقتضی محافظت فضیلت بود و دیگر آنچه مقتضی ازاله رذیلت بود.^(۸۰)



بر این اساس آراء غیر صحیح و اخلاق زشت و ناپسند، از جمله امراض انسانی است. یکی از امراض انسانی، عجب است. ابن میمون به توصیف این بیماری پرداخته ولی از آن نامی نبرده است، اما طوسی در تعلیقه خود به ذکر نام این بیماری و حدیثی پرداخته است. عجب از نظر ابن میمون نظیر تمامی امراض انسانی در افراد به شدت و ضعف است و فرد مبتلا خود را برتر از آنچه در واقع است، می‌انگارد؛ مانند کسی که در علمی از علوم نظیر جالینوس در پزشکی مهارت دارد و در علمی دیگر مهارتی ندارد، اما در آن علمی که نمیداند نیز وارد میشود و به رد و نقد میپردازد.^(۸۱)

از دیگر آثار طوسی در اخلاق که بصورت نسخه خطی هنوز باقی است، میتوان به موارد زیر اشاره کرد: رساله در نعمتها و خوشیها و لذتها و سعادت و اقسام آن و رساله شرح مقامات عارفین.

۱- ۲. آثار طوسی در اخلاق کاربردی یا اخلاق حرفه‌یی

بیشترین آثار خواجه نصیر در اخلاق، به آثار با جهت‌گیری عمومی تخصیص مییابد. آثار او در اخلاق کاربردی ۱۸،۱۸٪ و آثار اخلاقی وی با جهت‌گیری عمومی ۸۱، ۸۱٪ را به خود تخصیص داده است. *آداب المتعلمین* و رساله رسم و آیین پادشاهان قدیم از آثار وی در اخلاق کاربردی است.

● آداب المتعلمین

الف) موضوع، جهت‌گیری و منابع رساله: این اثر^(۸۲)، حاوی نکات عمیق در اخلاق دانشوری و حوزه اخلاق کاربردی و معطوف به موقعیت عینی و حوزه معین و خاص است.

طوسی فراموشی علم را بیماری نفس میخواند و همچون طبیبی از سلامت نفس سخن میگوید.^(۸۳) او در این رساله از برخی نکات طبی مثلاً فراموشی از شدت بلغم و درمان آن سخن میگوید^(۸۴) که نشان از طب‌انگاری اخلاق است؛ اگرچه وی در فصل نخست، علم را سبب سعادت بشر^(۸۵) معرفی کرده و سعادت‌گراست. خواجه در انتهای رساله حفظ سلامتی و دانستن مسائل لازم طبابت و تبرک جستن از احادیث جمع شده توسط ابوالعباس مستغری (در کتاب *طب النبی (ص)*) را لازم میداند. وی در این کتاب از تعلیم و تربیت سنتی به تعلیم و تربیت پیشرفته با تأکید بر چند محور بودن فرایند یادگیری - یاددهی میرسد. تربیت سنتی در رابطه میان

۲۷



استاد و شاگرد با ویژگیهای انسانی و اخلاقی یک رابطه خوب معنا مییابد و یادآور سیمای تربیتی در زمینه‌های تدریس سقراطی و آکادمی افلاطون است.^(۸۶) تربیت در *آداب المتعلمین* مجموعه‌یی است از: ۱) استاد (X) و ویژگیهای خاص تدریس و اخلاقیات او؛^(۸۷) ۲) شاگرد (Y)، و ویژگیهای خاص تدریس او و اخلاقیات او؛^(۸۸) ۳) متونی بعنوان علم (Z) و ویژگیهای خاص آن؛^(۸۹) ۴) در زمان و شرایط مناسب به نام (t).^(۹۰) براین اساس، تعلیم و تربیت و فرایند یادگیری در این کتاب، بصورت چندبعدی و براساس چند محور که هر یک نماینده یکی از شرایط یادگیری است، طرح میگردد. این رساله بر نقش متعلم در یادگیری تأکید کرده و این تأکید بمعنای فرا رفتن از الگوهای سنتی یکطرفه انتقال اطلاعات از استاد به شاگرد و رویکرد فرایند محصول است. طوسی تفکیک محورهای تربیت را براساس الگوهای اسلامی ارائه داده است و ارجاعات این رساله، درون دینی و اغلب از آیات و روایات است.

ب) وضعیت نشر و خویشاوندی اثر: آغابزرگ در *الذریعه* آن را از آثار خواجه نصیر برشمرده است، درحالی‌که برخی آن را تلخیص و اقتباس از *آداب المتعلم* و *المتعلم*^(۹۱) برهان‌الدین زرنوجی (ف. ۵۹۳ ه. ق) میدانند و در انتساب آن به طوسی مشکوکند.^(۹۲) این رساله با سبک آثار طوسی بسیار متفاوت است. خواجه در این رساله، فراگیری علم نجوم را حرام و بیماری و مرض خوانده است.^(۹۳) این سخن از صاحب *زیج/اینخانی* قابل تأمل بیشتری است. در این رساله از تلاش و جهد محمد بن حسن طوسی (پدر خواجه نصیرالدین طوسی) در علم‌آموزی یاد شده و عبارتی از او نقل شده است.^(۹۴)

ج) مباحث رساله: طوسی در این رساله به بیان فضیلت علم و آگاهی پرداخته و آن را وسیله تمییز انسان از دیگر موجودات و اساس سعادت و رستگاری قلمداد کرده است.^(۹۵) تأکید بر نقش علم در حیات سعادت‌مندان، در دیگر آثار وی بویژه *اخلاق ناصری*^(۹۶) و *شرح الاشارات والتنبیها*^(۹۷) آمده است. مقید کردن «عمل کردن علم» به فضیلت علم، درخور تأمل است. این بیان نمودی از مقدمه‌پنداری علم برای عمل و رابطه نظر و عمل است.^(۹۸)

خواجه در این اثر به اخلاق مناظره و گفتگو نیز اشاره کرده است. انصاف، دقت و حوصله و احتراز از فتنه‌انگیزی و خشم بیجا از اصول اخلاق مناظره است.^(۹۹) وی به تأثیرپذیری دانشجو از هم‌نشین در سرایت اخلاق گفتگو کرده است^(۱۰۰) و باعتقاد او میانه‌روی و اعتدال بهترین کارهاست.^(۱۰۱) این امر، یادآور *اخلاق ناصری* و حدوسط ارسطویی در تحلیل فضیلت علم است. وی تقوی، خویشنداری، پرهیزگاری و انجام

۲۸



آداب و سنن دین^(۱۰۲)، صلوات بر نبی و نماز شب^(۱۰۳) را از اصول دانش‌پژوهی می‌شمارد. این بیان نشان از خدامحوری در اخلاق دانشوری دارد.

● رساله در رسم و آیین پادشاهان قدیم

الف) سال و انگیزه نگارش: خواجه نصیر این رساله را به درخواست پادشاهی که نمیدانیم کیست! و در تاریخی که معلوم نیست، درباره راه و رسم پادشاهان بزرگ قدیم نگاشته است. وی در اواسط رساله از شیوه «یاساء بزرگ چنگیزخان»^(۱۰۴) یاد کرده است^(۱۰۵) و در انتهای رساله بر پادشاه و پادشاهزاده، بی‌ذکر نام، درود می‌فرستد. اگرچه مطالب رساله، در مقاله سوم/اخلاق ناصری که طوسی در قلاع اسماعیلیه نگاشته است، بویژه فصل سوم «در اقسام اجتماعات و شرح احوال مدن» (۲۷۹) و فصل چهارم «در سیاست ملک و آداب ملوک» (۳۰۰)، و فصل پنجم «در سیاست خدم و آداب اتباع ملوک» (۳۱۴)، آمده است، با این حال، آثاری از اندیشه تأویلی و رموز و اصطلاحات اسماعیلی در این رساله دیده نمیشود. بنظر نمیرسد که طوسی در میان اسماعیلیان نیز از چنگیز مغولی یاد کند، با این بیان، شاید بتوان مقصود از پادشاه و پادشاهزاده را هولاکو و آباخان و نگارش رساله را در دوره سوم زندگی طوسی دانست.^(۱۰۶)

ب) منابع و جهت‌گیری رساله: رساله در اخلاق و آداب سیاستمداران و سردمداران و اخلاق مالیات و متصدیان مالیاتی، نمایانگر نوعی اخلاق حرفه‌یی است. رساله بعنوان سندی کهن در ایران اسلامی در تهیه منشورهای اخلاقی دولت و سازمانهای مالیاتی امروزی اهمیت دارد.

خواجه نصیر براساس مبانی شیعی، چنانکه در فارابی نیز شاهدیم، در پی تحقق آرمان مدینه فاضله، در مقاله سوم/اخلاق ناصری به سیاست مدن می‌پردازد. این رساله نیز نمودی از معطوف بودن به کمالات جمعی در گرو توجه به اخلاق ملک است. طوسی در نوشته‌های کلامی [نظیر تجرید الاعتقاد، قواعد العقائد، فصول، رساله امامت، رساله اعتقادات]، مبانی اعتقادی امام در مدینه فاضله و شریعت را براساس مبانی عقل و شرع، پی‌ریزی میکند و در حکمت مدنی، از آداب و مکارم و رفتار ارتباطی سردمداران با دیگران سخن می‌گوید. تلاشهای اجتماعی وی در کنار پادشاهان، نمودی از توجه به سیاست و تلاش برای تحقق خارجی چنین آرمانی است. صاحب ملک، همان صاحب ناموس اسماعیلیان، شارع نزد محدثان، یا همان

۲۹



مدبر عالم افلاطون، انسان مدنی ارسطو، یا بتعبیر ایرانیان فرّ ایزدی است.^(۱۰۷) هدف در حکمت مدنی، نیل به کمال جمعی است، اگرچه کمال خود دارای مراتب است و بر این اساس، انواع مدینه‌ها رخ مینماید. این رساله نظریه‌پردازی نیست، بلکه اخلاق کاربردی معطوف به موقعیت عینی است.

طوسی در این رساله اگرچه در تحقق آرمان مدینه فاضله قلم نمیزند، اما به مراتب پایین‌دستی کمالات در حکمت مدنی و اخلاق، آداب و ویژگیهای آن اشاره میکند. وی در فصل سوم بخش سوم از *اخلاق ناصری* به «اقسام اجتماعات و شرح احوال مدن» پرداخته است. جمهور افلاطون، آثار فارابی [شاید کتاب *آراء اهل المدینه الفاضله و السیاسه المدنیه و فصول المدنیه*] و نوشته‌های اخوان‌الصفاء در اخلاق جمعی و ... میتواند از جمله منابع وی قلمداد گردد.

ج) مباحث رساله: بطورکلی مباحث رساله در دو بخش (۱) آداب و سیاسات پادشاهان و (۲) آیین و رسوم اخذ و صرف مالیات است.

خواجه نصیر در تبیین علل موفقیت برخی پادشاهان پیشین و در مقابل ضعف دیگر ایشان، به داشتن رسم و آداب و آیین واحد^(۱۰۸) اشاره میکند. این بیان نمودی از توجه به نقش حکومتداری براساس اخلاق، بر موفقیت و قوام دول است. بگواهی طوسی پادشاهان پیشین، چون براساس این قواعد و آیینها رفتار میکردند، موفق و پایدار و با اقتدار بوده‌اند.^(۱۰۹)

وی به انواع رفتارهای ارتباطی پادشاه با دیگران و آداب آن میپردازد که رفتار پادشاهان با لشگریان^(۱۱۰) و سپاهیان، اهل قلم، رعیت و اطوار مردم از این دست است. طوسی در رفتار پادشاه با لشگر به اهمیت کرامت، عدالت، شایسته‌سالاری و محبت در رفتار با زیردستان اشاره دارد^(۱۱۱) و در ادامه به اخلاق دشمنی و آداب جنگ پرداخته است.^(۱۱۲) وی از صلح‌طلبی نیز سخن به میان می‌آورد.^(۱۱۳) توجه به حقوق دهکهای اطوار مختلف مردم در اخذ مالیات و معاف بودن قشر ضعیف^(۱۱۴)، یتیم‌نوازی، امانتداری و توجه به شعائر دینی از خصوصیات مهم این رساله در اخذ مالیات و اخلاق حرفه‌یی است.

۲. مباحث اخلاقی در سایر آثار

خواجه نصیر علاوه بر تکنگاریهای مستقل در اخلاق، مباحث اخلاقی را در سایر آثار نیز بنحو پراکنده آورده است: در کتاب (۱) *تولا و تبرا*^(۱۱۵)، (۲) *اساس الاقتباس* در فن خطابه، مقاله هشتم، (۳) *شرح اشارات*، نمط هشتم و نهم، (۴) و *تجرید المنطق*^(۱۱۶)



میتوان برخی مباحث اخلاقی را از وی رصد کرد.

نتیجه گیری

آثار خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق را در دو ساحت کلی طراحی ساختیم: (۱) تک‌نگاریهای مستقل و مدون؛ (۲) مباحث اخلاقی پراکنده در سایر آثار. تک‌نگاریهای مستقل و مدون وی به دو دسته نوشتارها با جهت‌گیری عمومی و نوشته‌ها در اخلاق حرفه‌یی قابل تقسیم است. اخلاق محتشمی، اخلاق ناصری، اوصاف‌الاشراف، ترجمه ادب الصغیر ابن المقفع، الرساله النصیریة از تک‌نگاریها وی با جهت‌گیری عمومی در اخلاق است. رسم و آیین پادشاهان قدیم و رساله آداب المتعلمین وی نیز نگارش در اخلاق حرفه‌یی محسوب می‌گردد. در نوشتار حاضر، تحلیلی تطبیقی - انتقادی جامع از آثار اخلاقی خواجه طوسی ارائه دادیم. نگاه آماری و درصد تخصیصی تأثیر و تأثر اخلاق با سایر آثار طوسی از ویژگیهای این نوشتار است. آنچه در این جستار گذشت، صرف گزارش آثار اخلاقی خواجه نیست، بلکه در هر بخش و متناسب با هر اثر، به تحلیل انتقادی مسائل کتاب پرداخته شد. رهیافت تطبیقی با معیار عمده اخلاق ناصری، با سنجش موازین محتوای آثار اخلاقی با آن همراه گردید. بسیاری از ابهامات در رسائل تک‌نگاری اخلاق‌محور طوسی از لحاظهای گوناگون معرفتی روشن گشت و واکاوی تاریخ‌مدارانه دقیقی در باب هر یک به انجام رسید.

پی‌نوشتها:

۱. ابن‌شاکر کتبی، فوات الوفیات، تحقیق احسان عباس، ص ۲۴۹.
۲. موسوی خوانساری، میرزا محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، ص ۳۰۳ و ۳۰۴.
۳. الفاضل القائنی النجفی، علی، معجم مؤلفی الشیعه، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.
۴. نعمه، شیخ عبدالله، فلاسفه شیعه، ترجمه سیدجعفر غضبان، ص ۲۹۸ - ۳۰۵.
۵. امین عاملی، محسن، اعیان الشیعه، ص ۱۶ - ۴۶.
۶. روان‌بخش، کاظم، زندگانی و شخصیت خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۴۴ - ۵۹.
۷. مدرس رضوی، محمدتقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین، ص ۷۸ - ۹۵.
۸. هانی نعمان فرحات، اندیشه‌های فلسفی و کلامی خواجه نصیرالدین طوسی، ترجمه غلامرضا جمشیدنژاد، ص ۷۲ - ۱۰۱.
۹. طوسی، خواجه نصیر، اخلاق محتشمی، دیباچه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، ص ۴۹۳.
۱۰. همان، دیباچه، ص بیست و سه.
۱۱. طوسی به اخبار و بیانات دیگر انبیا نظیر حضرت عیسی (ع) (ص ۹۱، ۱۴۷، ۱۶۲)، داوود (ص ۱۰۴)،

- یعقوب نبی (ص ۱۲۴) نوح (ص ۱۴۵)، موسی (ص ۱۴۵)، یحیی بن زکریا (ص ۳۲۷) علیهم السلام و... نیز اشاره نموده است.
۱۲. /اخلاق محتشمی، ص ۱.
۱۳. همانجا.
۱۴. همان، ص ۵.
۱۵. گنابادی، محمد پروین بنقل از دیباچه اخلاق محتشمی، ص ۴۸.
۱۶. ر.ک: فرامرز قراملکی، احد، نظریه اخلاقی محمد بن زکریای رازی.
17. Hadot, *what is Ancient Philosophy?*, p. 2.
۱۸. طوسی، خواجه نصیر، اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، مقدمه، ص ۳۶.
۱۹. همان، ص ۳۴. اگرچه سعی طوسی در ویراستن نشانه‌های اسماعیلی در کتاب است اما با وجود چنین تلاشی، مدلونگ قرائتی اسماعیلی از برخی مباحث اخلاق ناصری ارائه داشته است و جای جای، تفکر اسماعیلی باطن /اخلاق ناصری را نمایان ساخته است.
- Madelung, Wilferd, "Nasir al-Din Tusi's Ethics: Between Philosophy, Shi'ism and Sufism", *Ethics in Islam in 1985* edited by Richard G. Hovannisian.
۲۰. /حوال و آثار خواجه نصیرالدین، ص ۴؛ الاعسم، عبدالامیر، الفیلسوف نصیرالدین الطوسی، مؤسس المنهج الفلسفی فی علم الکلام الاسلامی، ص ۳۱.
۲۱. /اخلاق ناصری، ص ۲۲۶.
۲۲. همان، مقدمه، ص ۱۵.
۲۳. مقاصد مقاله اول، فصل نه: [در حفظ صحت نفس که آن بر محافظت فضایل مقصور بود] و فصل ده: [در معالجت امراض نفس و آن بر ازاله رذائل مقدر] بود. ص ۱۵۵-۲۰۲.
۲۴. /اخلاق ناصری، ص ۱۶۸، ۲۰۲.
۲۵. نظیر صفحات ۶۲-۶۵، ۷۱، ۱۴۲ و ...
۲۶. همان، ص ۸۰.
۲۷. همان، ص ۱۲۲.
۲۸. همانجا.
۲۹. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۰۶. کتاب *Politeia* که به جمهوری مشهور است و توسط حنین بن اسحاق با نام *السیاسة* به عربی ترجمه شده است و طوسی میتواند در اختیار داشته باشد.
۳۰. الفهرست، ص ۳۱۲. نیکوماخوس ارسطو توسط اسحاق بن حنین ترجمه شده است.
۳۱. بگفته طوسی، ابوعثمان دمشقی این رساله را به عربی ترجمه کرده است و بوعلی در کتاب *طهارة بعینه* آورده است (اخلاق ناصری، ص ۸۹).
32. Thomson, G.F., *Practical Philosophy of the Muhammadan People*, (Jalal Dawani: Akhlak-i Jalali), 1939.
۳۳. الفیلسوف نصیرالدین الطوسی، مؤسس المنهج الفلسفی فی علم الکلام الاسلامی، ص ۱۲۱.
۳۴. ابن رشد در تلخیص نیکوماخیا و *السیاسة* افلاطون، بیان میدارد که *السیاسة* ارسطو بدست وی نرسیده است و وی بجای *سیاست* ارسطو از *سیاست* افلاطون گزین کرده است. (اخلاق محتشمی، مقدمه، ص ۶)
35. Rosenthal, E.I.J., 1958, *Political Thought in Medieval Islam*, p. 299.
۳۶. /اخلاق ناصری، ص ۳۵ و ۳۶.
۳۷. فیلسوفی نوفیناغورسی صاحب رساله فی تدبیر المنزل و یا همان *okonomikos* بنقل از ویکنز در تعلیقات ترجمه انگلیسی اخلاق ناصری.

۳۸. اخلاق ناصری، ص ۲۰۸.
۳۹. همان، ص ۲۴۸.
۴۰. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۶، ص ۳۰۳.
۴۱. الفیلسوف نصیرالدین الطوسی، مؤسس المنهج الفلسفی فی علم الکلام الاسلامی، ص ۱۲۱؛
Rossenthal, *op.cit.*, pp. 212, 299.
۴۲. اخلاق ناصری، ص ۳۳۲.
۴۳. اخلاق محتشمی، مقدمه، ص ۳.
۴۴. همان، مقدمه، ص ۱۷.
۴۵. منتخب اخلاق ناصری باهتمام جلال‌الدین همایی (۱۳۲۰) کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة و نشرجاویدان (۱۳۴۶) و انتشارات خوارزمی با تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری (۱۳۵۶) به چاپ رسیده است.
46. Wickens, G.M., *Nasir al-Din Tusi: The Nasiran Ethics*, 1964.
۴۷. ر.ک: ساکت، سلمان، «بررسی تطبیقی اخلاق علایی و اخلاق ناصری»، در *خواججه پژوهی*، ۱۳۹۰.
۴۸. طوسی، خواججه نصیر، ترجمه رساله الادب الوجیز للولد الصغیر، ص ۴۹۹.
۴۹. همان، ص ۵۰۳.
۵۰. همان، ص ۵۰۰.
۵۱. همان، ص ۵۰۱.
۵۲. همان، ص ۵۰۲، ۵۰۸.
۵۳. همان، ص ۵۲۷.
۵۴. همان، ص ۵۰۶.
۵۵. الفیلسوف نصیرالدین الطوسی، مؤسس المنهج الفلسفی فی علم الکلام الاسلامی، ص ۱۲۸.
۵۶. طوسی، خواججه نصیر، اوصاف الاشراف، مقدمه و تصحیح سیدمهدی شمس‌الدین، ص ۴.
57. See: Madelung, wilfred, *op.cit.*.
۵۸. احمدپور و دیگران، کتابشناخت اخلاق اسلامی (گزارش تحلیلی میراث مکاتب اخلاق اسلامی)، ص ۲۰۸.
۵۹. از جمله کتاب‌فروشی اسلامیة (بی‌تا)، نشر طوس: تصحیح نجیب مایل هروی (۱۳۵۷)، نشر هدی (۱۳۶۱)، وزارت فرهنگ و ارشاد: باهتمام مهدی شمس‌الدین (۱۳۶۹)، بیروت، مؤسسه البلاغه: تحقیق محمدبن علی منصور (۲۰۰۱ م.).
۶۰. اوصاف الاشراف، ص ۳ - ۵.
۶۱. همان، ص ۵.
۶۲. کتابشناخت اخلاق اسلامی (گزارش تحلیلی میراث مکاتب اخلاق اسلامی)، ص ۴۱.
۶۳. ر.ک: انصاری، خواججه عبدالله، *منازل السائرین*، مقدمه و اعداد علی شیروانی.
۶۴. اوصاف الاشراف، تصحیح و تنقیح نجیب مایل هروی، ص ۸۵.
۶۵. مراتب طولی نفس از دیدگاه خواججه نصیر عبارتند از: «(۱) بهیمی (متابعت قوه شهوی)، (۲) سبعی (متابعت قوه غضبی)، (۳) شیطانی و اماره (ملکه کردن رذائل اخلاقی)، (۴) لوامه (رذائل اخلاقی گاه ثابت گاه غیرثابت، گاه مایل به شر، گاه مایل به خیر، و وقتی مایل به خیر باشد از شر پشیمان میشود)، (۵) مطمئنه (منقاد عقل، مایل به سعادت و ملکه بودن طلب خیر)». (همان، ص ۸۶)
۶۶. این اثر به انضمام *تلخیص‌المحصل* چاپ شده است. (بیروت، دار الأضواء، ه. ق. ص ۵۰۱ - ۵۰۶)
67. See: Hadot, Pierre, 1995, *Philosophy as a Way of Life: Spiritual Exercises from Socrates to Foucault*, Trans by Michael Chase, Idem, 2002, *What is Ancient Philosophy?*, The Belkanp Press of Harvard University Press, Cambridge.

۳۳



68. _____, 2002, *What is Ancient Philosophy?*, pp. 2-4.

۶۹. طوسی، خواجه نصیر، *الرساله التصیریہ*، ص ۵۰۱.
۷۰. همان، ص ۵۰۴.
۷۱. *اخلاق ناصری*، ص ۸۰.
۷۲. طوسی، خواجه نصیر، *فصول*، بکوشش محمدتقی دانش پژوه، ص ۴۴.
۷۳. همو، *شرح الاشارات و التنبیہات*، ج ۳، ص ۳۵ ببعده.
۷۴. *الرساله التصیریہ*، ص ۵۰۶.
۷۵. *شرح الاشارات و التنبیہات*، ج ۳، ص ۳۳۵ و ۳۳۶.
۷۶. *اخلاق ناصری*، ص ۹۸.
۷۷. *تلخیص المحصل*، ص ۵۰۸.
۷۸. دانش پژوه، خواجه طوسی و ابن میمون اسرائیلی.
۷۹. *تلخیص المحصل*، ص ۵۰۷.
۸۰. *اخلاق ناصری*، ص ۱۵۳.
۸۱. *تلخیص المحصل*، ص ۵۰۸.
۸۲. طوسی، خواجه نصیرالدین، *شیوه دانش پژوهی: ترجمه و شرح آداب المتعلمین*، باقر غباری، ص ۵۴.
۸۳. همان، ص ۸۶.
۸۴. همان، ص ۸۵ و ۸۶.
۸۵. همان، ص ۶۰.
۸۶. الفیلسوف نصیرالدین الطوسی، مؤسس المنهج الفلسفی فی علم الکلام الاسلامی، ص ۱۲۵.
۸۷. *شیوه دانش پژوهی: ترجمه و شرح آداب المتعلمین*، ص ۷۲.
۸۸. تمامی فصول رساله درباره متعلم و شرایط یادگیری او و اخلاقیات خاص اوست.
۸۹. *شیوه دانش پژوهی: ترجمه و شرح آداب المتعلمین*، ص ۷۱.
۹۰. همان، ص ۸۹، ۱۰۲.
۹۱. یا *تعلیم المتعلم لتعلم طریق العلم*.
۹۲. *شیوه دانش پژوهی: ترجمه و شرح آداب المتعلمین*، مقدمه، ص ۸. پیش از طوسی، آثار در اخلاق دانشوری بسیار است: *آداب المعلمین محمد بن سحنون* (ف. ۲۵۶ ه. ق.)، *العالم و المتعلم محمد بن عمر ترمذی بلخی* (ف. ۲۸۰ ه. ق.)، *اخلاق العلماء ابوبکر محمدحسین الآجری* (ف. ۳۶۰ ه. ق.)، *الرساله المفصله لاحوال المتعلمین و احکام المعلمین و المتعلمین از علی بن محمد القابسی* (ف. ۴۰۳ ه. ق.)، *آداب العلم از یوسف بن عبدالله النمیری القرطبی* (ف. ۴۶۳ ه. ق.)، *وصایا و نصایح لطلاب العلم از عبدالرحمن بن الجوزی* (ف. ۵۹۷ ه. ق.) و... *کتابشناخت اخلاق اسلامی*، ص ۴۱۲.
۹۳. *شیوه دانش پژوهی: ترجمه و شرح آداب المتعلمین*، ص ۶۱.
۹۴. همان، ص ۱۰۰، ۱۰۳.
۹۵. همان، ص ۶.
- ۳۴
۹۶. *اخلاق ناصری*، ص ۶۹ - ۷۱.
۹۷. *شرح الاشارات و التنبیہات*، ج ۳، نمط هشتم، ص ۳۴۵ ببعده.
۹۸. *شیوه دانش پژوهی: ترجمه و شرح آداب المتعلمین*، ص ۶۳.
۹۹. همان، ص ۹۰.
۱۰۰. همان، ص ۹۱.
۱۰۱. همان، ص ۹۶.
۱۰۲. همان، ص ۱۱۷.



۱۰۳. همان، ص ۱۲۱.
۱۰۴. یورش به خراسان به سال ۶۱۸ق.
۱۰۵. طوسی، خواجه نصیرالدین، مجموعه رسائل، ص ۳۱.
۱۰۶. مدرس رضوی در مجموعه رسائل (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵)، این رساله را به همراه پنج رساله دیگر از طوسی چاپ کرده است.
۱۰۷. اخلاق ناصری، ص ۲۵۳. خواجه در اخلاق ناصری به غالب این اصطلاحات اشاره کرده است.
۱۰۸. مجموعه رسائل طوسی، ص ۲۸.
۱۰۹. همان، ص ۱۰۹.
۱۱۰. او در اخلاق ناصری (ص ۲۶۷-۲۶۹) نیز به کیفیت ارتباط ملک با دیگران پرداخته و محبت را سبب قوام نظام دانسته است: «محبت ملک رعیت را محبتی بود ابوی و محبت رعیت او را بنوی، و محبت رعیت با یکدیگر اخوی» (اخلاق ناصری، ص ۲۶۹).
۱۱۱. مجموعه رسائل طوسی، ص ۲۸ و ۲۹.
۱۱۲. همان، ص ۲۹.
۱۱۳. همانجا.
۱۱۴. همان، ص ۳۲.
۱۱۵. چاپ شده در اخلاق محتشمی، بکوشش دانش‌پژوه، ۱۳۷۷، دانشگاه تهران، چاپ دوم، به همراه متن اخلاق محتشمی و دو رساله دیگر.
۱۱۶. از کتاب جوهرالنضید علامه حلی، (۱۳۷۱).

منابع فارسی:

۱. ابن شاکر کُتبی، فوات الوفيات، تحقیق الدكتور احسان عباس، بیروت، دارالصادر، ج ۳، بی تا.
۲. ابن مسکویه رازی، تهذیب الاخلاق، ترجمه و توضیح علی اصغر حلبی، تهران، انتشارات اساطیر، ج ۱، ۱۳۸۱.
۳. احمدپور و دیگران، کتابشناخت اخلاق اسلامی (گزارش تحلیلی میراث مکاتب اخلاق اسلامی)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۶.
۴. الاعسم، عبدالامیر، الفیلسوف نصیرالدین الطوسی، مؤسس المنهج الفلسفی فی علم الکلام الاسلامی، بیروت، دارالاندلس، ج ۲، ۱۹۸۰م.
۵. امین عاملی، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، مطبعه الانصاف، ۱۹۵۹م.
۶. انصاری، خواجه عبدالله، منازل السائرين، مقدمه و اعداد علی شیروانی، قم، مؤسسه دارالعلم، ۱۴۱۷.
۷. الموسوی خوانساری، میرزا محمد باقر، روایات الجنات فی احوال العلماء و السادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، تهران، ناصر خسرو، جزء السادس، بی تا.
۸. روان بخش، کاظم، زندگانی و شخصیت خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ۱۹۵۰م.
۹. سارتن، جرج، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، نشر هدهد، ۱۳۶۰.
۱۰. طوسی، خواجه نصیر، اخلاق محتشمی، دیباچه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳، ۱۳۷۷.
۱۱. _____، اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، انتشارات خوارزمی، ج ۶، ۱۳۸۷.
۱۲. _____، ترجمه رساله الادب الوجیز للولد الصغیر ابن مقفع، چاپ شده در اخلاق محتشمی، دیباچه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳، ۱۳۷۷ ب.
۱۳. _____، اوصاف الاشراف، تصحیح و تنقیح نجیب مایل هروی، مشهد، انتشارات امام، ۱۳۶۱.
۱۴. _____، اوصاف الاشراف، مقدمه و تصحیح سیدمهدی شمس‌الدین، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

- ج ۳، ۱۳۷۳.
۱۵. _____، تلخیص المحصل معروف به نقد المحصل به انضمام رسائل و فوائد کلامی، باهتمام عبدالله نورانی، تهران، دانشگاه مک گیل و دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
۱۶. _____، الف، تلخیص المحصل معروف به نقد المحصل به انضمام رسائل و فوائد کلامی، بیروت، دارالاضواء، ج ۲، ۱۴۰۵.
۱۷. _____، الرسالة النصیریه، در ضمن تلخیص المحصل بیروت دارالاضواء ج ۲، ۱۴۰۵.
۱۸. _____، شرح الاشارات و التنبیحات، قم، نشر البلاغه، ج ۳، ج ۱، ۱۳۷۵.
۱۹. _____، شیوه دانش پژوهی: ترجمه و شرح آداب المتعلمین، باقر غباری، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۶۲.
۲۰. _____، فصول، ترجمه تازی آن از رکن‌الدین محمدبن علی گرگانی استرآبادی، بکوشش محمدتقی دانش پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
۲۱. _____، مجموعه رسائل طوسی، مدرس رضوی، یادبود هفتصدمین سال خواجه طوسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
۲۲. الفاضل القائینی النجفی، علی، معجم مولفی الشیعه، تهران، منشورات مطبعه وزارة الارشادالاسلامی، ج ۱، ۱۴۰۵.
۲۳. فرامرز قراملکی، احد، نظریه اخلاقی محمدبن زکریای رازی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
۲۴. مدرس رضوی، محمد تقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.
۲۵. نعمه، شیخ عبدالله، فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۷.
۲۶. هانی نعمان فرحات، اندیشه‌های فلسفی و کلامی خواجه نصیرالدین طوسی، ترجمه غلامرضا جمشیدنژاد، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۹.

منابع انگلیسی:

1. Hadot., Pierre, *Philosophy as a Way of Life: Spiritual Exercises from Socrates to Foucault*, translated Michael Chase, Wiley-Blackwell, 1995.
2. ____ , *What is Ancient Philosophy?*, The Belkanp Press of Harvard University Press, Cambridge, 2002.
3. Heshmat Moayyad, "Some Remarks on the Nasirean Ethics by Naşir ad-Dīn Ṭūsī", Reviewed work(s), *Journal of Near Eastern Studies*, The University of Chicago PressStable, vol. 31, No. 3, pp. 179-186, 1972.
4. Madelung, Wilferd, "Nasir al-Din Tusi's Ethics: Between Philosophy, Shi'ism and Sufism", *Ethics in Islam* in 1985 edited by Richard G. Hovannisian, Undena Publications, Malibu, California, Ref: The Institute of Ismaili Studies, 2011.
5. Rosenthal, E.I.J., *Political Thought in Medieval Islam*, Cambridge, 1958.
6. Wickens. G.M., *Nasir al-Din Tusi: The Nasiran Ethics*, London, 1964.

